

بسمه تعالی

" ژئوپلیتیک نفت "

ژئوپلیتیک مجموعه پیچیده نیروهای متخاصم و متعسددی است که بر سر زمین هایی به ابعاد کوچک به کشمکش می پردازند، خواه به این منظور که به رغبت یا به زور، تفوق سیاسی خود را برقرار سازند و خواه به این منظور که رقبای خود را بی کم و کاست از صحنه بیرون رانند (۱)، با توجه به این تعریف، در یک تحلیل ژئوپلیتیکی سعی بر این است که میان مراکز قدرت بین المللی و مناطق جغرافیایی رابطه برقرار نمود. در نظریه ژئوپلیتیکی ساختار جغرافیایی منطقه ای که در آن قدرت اعمال می شود از اهمیت ویژه برخوردار است (۲). در عداد عوامل اساسی ژئوپلیتیک، بعضی ها ثابت و برخی

۱- لاکست ایو : مسائل ژئوپلیتیک (اسلام، دریا، آفریقا)، آگاهی عباس، ص ۷.

۲- میرحیدر دهره : اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس، مجله سیاست خارجی، شماره ۲ و ۲- سال چهارم - بهار و تابستان ۱۳۶۹.

*- استاد دیا رگروه تاریخ دانشکده علوم انسانی و اجتماعی تبریز

دیگر بطور نسبی متغیرند. ویژگیهای جغرافیایی یک کشور در زمره عوامل ثابت می‌باشند که در تعیین تداوم و سیاستهای هر کشور نقش عمده ایفا می‌کند (۱). داشتن منابع طبیعی مثل نفت و سایر مواد خام و اولیه صنعتی در زمره عوامل متغیر به حساب می‌آیند (۲). در دنیای امروز با توجه به نقش اساسی نفت در اقتصاد کشورهای صنعتی، علت اساسی دخالت در کشورهای اسلامی خاور میانه که بیشترین کانسارهای نفتی در آن وجود دارند بشمار می‌آید. بطوریکه نفت علت وجود برخی از کشورهای خاور میانه را تشکیل می‌دهد. تحدید حدود مرزهای سیاسی بر روی خشکی و آب بطور مکرر تحت تاثیر وجود نفت صورت گرفته است. دستیابی به مناطق عمده تولید و راههای حمل و نقل نفت، هدف فوری و آشکار قدرتهای صنعتی را تشکیل می‌دهد. (۳)

بحث مورد نظر در ارتباط با این مکانیسم می‌باشد: ابتدا لازم است اهمیت نفت در اقتصادهای صنعتی و سیاستهای نفتی کشورهای صنعتی و جغرافیای منطقه‌ای تولید نفت را مورد بررسی قرار داده، تا بر اساس داده‌ها و واقعیت‌های موجود نتیجه‌گیری مشخصی داشته باشیم.

با هر معیاری که سنجیده شود، صنعت نفت سرآمد صنایع جهان است و کمتر روزی است که بگذرد و در اخبار سخن از نفت نرود. این اهمیت بخاطر این است که نفت یکی از عواملی بوده که تمدن جدید را زیر و رو کرده است. این ماده، انرژی و نیروی محرک در خانه، صنعت حمل و نقل است و قاطع‌ترین نیرو در جنگ می‌باشد. جنبه ویژه

۱- کاظمی علی‌صفر: دیپلماسی نوین، ص ۳۹.

۲- کاظمی علی‌صفر: نقش قدرت در جوامع و روابط بین‌الملل، ص ۱۳۰.

۳- بلیک جراللد: جغرافیای سیاسی خاور میانه و شمال آفریقا،

میرحیدر دهره، ص ۲۲۷.

تا شیر نفت درخا ورمیانه، کشف مقادیر عظیم نفت در آن منطقه بوده است که آن را بصورت یکی از بزرگترین منابع نفتی جهان در آورده است^(۱). میزان تولید این ماده آنرا بصورت یکی از اجزاء اصلی بازار سرمایه داری در آورده است، ۳۰ درصد از مجموع سرمایه های خارجی ایالات متحده و ۶۰ درصد در آمد این کشور از دنیای مستعمراتی از نفت می باشد. (۲)

شرکتهای آمریکائی نزدیک به ۵۰۰۰ میلیون دلار در خارج از این کشور، در کار نفت سرمایه گذاری کرده اند. مدیر قسمت سوخت و انرژی وزارت خارجه این کشور در این مورد می گوید: از میان رفتن این سرمایه ها برای کشور آمریکا "اگر مهم ملی" بشمار می آید. و علت اینکه از میان رفتن این سرمایه ها، "اگر مهم ملی" بشمار می آید این است که شرکتهای نفتی، در نتیجه عملیات خود در خارج از آمریکا، در موازنه پرداختهای این کشور مؤثرند. (۳)

تجربه جنگ جهانی اول اهمیت سوق الجیشی خاور میانه را از نظر منازعات دنیایی و قاطعیت نفت در ادامه جنگ نشان داد. تصادم انگلستان و آمریکا بر سر تصاحب ثمرات پیروزی، ویژگی نفتی داشت. در خلال جنگ دوم، خاور میانه نقش نوینی را در مناسبات قدرتهای بزرگ ایفا کرد. این منطقه میبایستی در دست متفقین بماند، اما مهمتر این بود که نگذارند این منطقه به تصرف دشمن درآید زیرا آلمان نه تنها از یک موقعیت سوق الجیشی برخوردار می شد

- ۱- شوادران بنجامین: خاور میانه، نفت و قدرتهای بزرگ، شریفیان عبدالحسین، ص ۵.
- ۲- هالیدی فرد: عربستان بی سلاطین، افراسیابی بهرام، ص ۵۵، جلد دوم.
- ۳- اودل پتیر: نفت و کشورهای بزرگ جهان، جهانگلوا میرحسین، ص ۲۶.

بلکه از همه مهم تر، به شاهرگ حیاتی برای ادامه جنگ جهانی دست می یافت. بدین ترتیب انگلستان و ایالات متحده آمریکا و دولت روسیه در مقابل دشمن مشترک، که ممکن بود مناطق نفت خیز را تصاحب کند درخا ورمیانه با یکدیگر همکاری کردند^(۱). دلیل این بود که — جغرافیای منطقه ای نفت از حوزه آمریکا و آمریکای لاتین — خا ورمیانه منتقل شده بود. بدین ترتیب مسئله امنیت خا ورمیانه — از همین زمان با مسئله جریان مداوم و مطمئن نفت دقیقاً و عمیقاً — پیوند می خورد. مهم این بود که نفت به حال جریان داشته باشد، چه از طریق مبارزه با روسها و هواداران شان و سایر رادیکالیستها و چه از طریق تحت فشار قرار دادن دوستان غرب و در صورت لزوم — توسط به زور بر علیه آنها^(۲).

اقتصاد قرن نوزدهم بر پایه زغال سنگ پایه گذاری شده بود. جدول زیر نقش زغال سنگ و رشد تولید و مصرف و صادرات آن در انگلستان ۱۹۷۷ - ۱۷۰۰ را نشان می دهد.^(۳)

— تولید مصرف و صادرات زغال سنگ انگلستان در سالهای ۱۹۷۷-۱۷۰۰ (میلیون تن)

۱۷۰۰	۱۸۰۰	۱۸۴۰	۱۸۶۹	۱۸۸۷	۱۹۱۳	۱۹۲۹	۱۹۵۵	۱۹۷۷	
۳	۱۱	۳۳	۱۱۰	۱۶۵	۲۸۷	۲۶۲	۲۳۶	۱۲۰	تولید
۳	۱۱	۳۲	۹۷	۱۳۲	۱۹۳	۲۰۱	۲۲۴	۱۲۱	مصرف
۰	۰/۲	۲	۱۳	۳۳	۹۴	۶۱	۰/۱۲	۱	صادرات
۰/۳	۰/۷	۱/۲	۳/۱	۳/۶	۴/۲	۴/۵	۴/۴	۲/۲	مصرف سرانه
۸۰	۸۰	۹۵	۹۹	۹۹	۹۹	۹۵	۸۵	۳۶	در صد کل انرژی مصرفی به صورت زغال سنگ

- ۱- شوادران بنجامین : پیشین، ص ۷.
- ۲- مسجد جاعی محمد : تحول وثبات در خلیج فارس، ص ۲۱۵.
- ۳- شمس اردکانی علی: استراتژیهای صدور نفت از خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس اردیبهشت ۱۳۶۷

در سال ۱۸۵۹ میلادی ادوین دریک آمریکایی مشهور به کلنل (سرهنگ) نخستین چاه نفت را به عمق ۲۳ متر در پنسلوانیا حفر کرد و سوخت مایع نفت به شکل امروزی را به بازار مصرف عرضه نمود. (۱)

با اختراع ماشین‌های درون سوز، سوخت مایع حاصل از پالایش نفت خام به رشدیابنده‌ترین نیرو تبدیل شد. نفت به علت سهولت حمل و نقل و امکان استفاده از آن به شکل فرآورده‌های گوناگون به آسانی به یک کالای بین‌المللی تبدیل گردید. در ارتباط با این مسئله، عده‌ای به این فکر افتادند که در سایر کشورهای جهان دست به استخراج نفت بزنند. پس از آمریکا این کار در رومانی آغاز گردید و بعد هم در بادکوبه شروع شد و بتدریج به سایر نقاط هم سرایت کرد. مکزیک یکی دیگر از کشورهای تولیدکننده نفت بود که در سال نخست جنگ جهانی اول (۲) ۶/۴ درصد تولید جهان را بخود اختصاص داده بود. در سال ۱۹۱۹ سهم مکزیک در تولید جهان به ۱۵/۷ درصد رسید. تا اینکه در سال ۱۹۲۱ به اوج خود رسیده و به می‌تازان روزی ۵۳۰/۰۰۰ بشکه یا ۲۵/۲ درصد تولید جهان بالغ گردید. اما از آن سال به بعد تولید رو به کاهش گذاشت بطوریکه ده سال بعد به روزی ۹۰۵۰۰ بشکه یا ۲/۴ درصد تولید جهان تنزل یافت.

جدول زیر محصول نفت خام را به "تن" در نیمه دوم قرن نوزدهم نشان می‌دهد (۳).

- ۱- دلدما سکندر: سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس، ص ۲۲۸.
- ۲- روحانی‌فواد: تاریخ ملی‌شدن صنعت نفت ایران، ص ۴۸.
- ۳- فاتح مصطفی: پنجاه سال نفت ایران، ص ۱۹.

سال میلادی	ایالات متحده آمریکا	اروپا	خاوردور	جمع محصول جهان
۱۸۶۰	۶۷۰۰۰	۲۰۰۰	—	۶۹۰۰۰
۱۸۶۵	۳۵۲۰۰۰	۱۴۰۰۰	—	۳۶۶۰۰۰
۱۸۷۰	۷۴۳۰۰۰	۴۰۰۰۰	—	۷۸۳۰۰۰
۱۸۷۵	۱۲۱۵۰۰۰	۱۳۰۰۰۰	۱۰۰۰	۱۳۴۶۰۰۰
۱۸۸۰	۳۵۹۸۰۰۰	۴۶۰۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۶۲۰۰۰
۱۸۸۵	۲۹۸۵۰۰۰	۲۰۰۳۰۰۰	۴۰۰۰	۴۹۹۲۰۰۰
۱۸۹۰	۶۲۹۲۰۰۰	۴۰۸۲۰۰۰	۲۳۰۰۰	۱۰۳۹۷۰۰۰
۱۸۹۵	۷۲۴۰۰۰۰	۶۷۴۸۰۰۰	۲۴۷۰۰۰	۱۴۲۳۵۰۰۰
۱۹۰۰	۸۶۰۵۰۰۰	۱۱۰۰۵۰۰۰	۵۷۳۰۰۰	۲۰۲۲۰۰۰۰

ارقام فوق نشانگر این واقعیت است که آمریکا قبل از کشف نفت روسیه و رومانی و خاوردور انحصار بازاری نفت را در اختیار داشت. ضمناً "میزان روزافزون استخراج نفت نشان دهنده ارزش و احتیاج به آن را مشخص می‌کند. این نکته لازم به یادآوری است که اهمیت بین المللی^(۱) ژئوپلیتیک نفت در فراوانی ذخایر آن نهفته نیست، بلکه برعکس میزان ذخایر نفت خام از نظر ارزش حرارتی بسیار کمتر از ذخایر زغال سنگ می‌باشد، ولی سهولت کاربرد و حمل و نقل آن است که آن را به ماده انرژی زای ممتاز تبدیل کرده است.

از آغاز قرن بیستم محافل نظامی غرب به فواید و اهمیت نفت در پیشرفتهای جنگی پی برده و استفاده از آن را توصیه و پیش بینی می‌کردند. از آن جمله دریا سالار فیشر (FISHER) انگلیسی می‌باشد که از سال ۱۹۰۴ تا سال ۱۹۰۹ فرمانده نیروی دریایی بریتانیا بوده است. وی در طی یادداشتی که در سال ۱۹۰۴ به هیئت وزیران انگلیس نوشته نکات زیر را خاطر نشان می‌کند^(۲).

۱- شمس اردکانی علی: استراتژی‌های صدور نفت، مجموعه مقالات

سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، اردیبهشت ۱۳۶۷.

۲- فاتح مصطفی: پیشین، ص ۲۴ - ۲۵

۱- کاربرد نفت در نیروی دریایی انگلیسی موجب خواهد شد که ۱/۳ بر نیروی ناوگان اضافه گردد، زیرا با استفاده از نفت، ناوگان احتیاجی به پهلو گرفتن در نیا در جهت سوخت گیری نخواهد داشت و در نزدیک ترین لنگرگاه دشمن می‌توان سوخت ناوگان را با نفت تهیه و تأمین کرد.

۲- استفاده از نفت موجب تسریع حرکت ناوگان می‌گردد و مسلم است که سرعت سیر عامل مؤثر پیروزی می‌باشد.

۳- با استفاده از نفت می‌توان، تا یک چهارم کارکنان کشتی‌ها را تقلیل داد و از این راه صرفه جوئی بزرگی در کارکنان کشتی داد.

۴- ناوهای جنگی در موقع سوخت‌گیری از نفت می‌توانند به نبرد خود ادامه دهند ولی با سوخت زغال سنگ این عمل مقصور نمی‌باشد.

ارشادات دریایی لارفیشرو دیگران سبب شد که انگلیسی‌ها و بعد هم کشورهای دیگر در پی بهره‌جوئی از نفت باشند و بنیان صنایع نیروی نظامی و دریایی خود را بر نفت و فرآورده‌های نفتی قرار دهند. بدین ترتیب در آغاز قرن بیستم، نفت و گاز طبیعی کمتر از ۴ درصد از کل نیاز انرژی جهان غرب را تأمین می‌کرد، حال آنکه زغال سنگ تقریباً ۹۰ درصد از این نیاز را برآورده می‌کرد. اما این وضع به سرعت تغییر کرد و سهم نفت و گاز طبیعی از کل تولید انرژی در سال ۱۹۲۰ به ۱۲ درصد و در نیمه دهه ۱۹۳۰ به ۲۶ درصد و پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ به ۳۶ درصد رسید. از آن زمان به بعد چنانکه جدول زیر نشان می‌دهد اهمیت نفت و فرآورده‌های نفتی برای اقتصاد جهان همواره روبه افزایش بوده است، چنانکه تا سال ۱۹۷۰ تقریباً ۷۰ درصد از کل نیاز انرژی غرب را نفت و گاز طبیعی تأمین می‌کرد (۱).

۱- بیومونت پیترو و دیگران: خاورمیانه، مدیرشانه‌چی و دیگران،

— سهم نفت در مصرف انرژی کشورهای عمده صنعتی جهان سرمایه‌داری
سالهای ۱۹۷۰-۱۹۸۶ (درصد) (۱)

سال	۱۹۷۰	۱۹۷۲	۱۹۷۴	۱۹۷۶	۱۹۷۸	۱۹۸۰	۱۹۸۲	۱۹۸۴	۱۹۸۶
ایالات آمریکا	۴۴	۴۵	۴۵	۴۶	۴۷	۴۴	۴۲	۴۱	۴۲
کانادا	۴۶	۴۵	۴۴	۴۴	۴۲	۴۰	۳۶	۳۲	۳۱
انگلستان	۵۰	۵۳	۵۰	۴۶	۴۶	۴۱	۴۱	۴۶	۳۸
فرانسه	۶۲	۶۸	۶۷	۶۶	۶۲	۵۷	۵۱	۴۵	۴۴
آلمان غربی	۵۵	۵۷	۵۲	۵۳	۵۳	۴۸	۴۵	۴۳	۴۵
ایتالیا	۷۳	۷۴	۷۳	۷۰	۶۸	۶۷	۶۵	۶۰	۶۰
ژاپن	۷۰	۷۴	۷۴	۷۳	۷۴	۶۷	۶۲	۵۹	۵۶
کل	۵۱	۵۳	۵۲	۵۳	۵۳	۴۹	۴۶	۴۴	۴۴

آما روارقا م فوق نشانگران است که کشورهای صنعتی پایه‌های اقتصادی شان را بر اساس نفت بنا نهاده‌اند. در این ارتباط اقتصاد متکی به انرژی پرهزینه، یعنی زغال سنگ را به اقتصاد متکی به انرژی کم‌هزینه تبدیل می‌نمایند و از کلیه مزایایی که این اقدام در صحنه رقابت در بازارهای جهانی، بوجود می‌آورد بهره‌مند می‌گردند. به نوشته فیدل کاسترو، توسعه سرمایه‌داری در طول زمان پس از جنگ در میان همه عواملی که به خدمت گرفت استفاده از تکنولوژی بود که مشخصه ویژه آن استفاده از نفت ارزان بوده است که در آمدن‌های نصیب شرکت‌های چند ملیتی نفتی بخصوص شرکت‌های آمریکایی کرده است و کمترین بهره‌دراختیار کشورهای تولیدکننده

۱- شمس اردکانی علی: استراتژی‌های صدور نفت، مجموع مقالات

سمینار بررسی مسائل خلیج فارس - اردیبهشت ۱۳۶۷.

قرار گرفته است. (۱)

در این دوره اقتصادهای صنعتی با سودگرفتن از نفت و گاز و مشتقاتشان و با استفاده از قابلیت نفت در تبدیل به انرژی در همه جا و در انواع مولدهای کوچک و بزرگ به اقتصادهای صنعتی با رشد شتاب گیر بدل شدند. با این تغییر ساختی سرعت آهنگ رشد اقتصادها در مقایسه با سرعت آهنگ رشد انرژی افزایش یافت. نکته دیگر اینکه اثر عظیم نفت در رشد اقتصادهای صنعتی تنها سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی کشورهای صنعتی و تغییر نسبت رشد تولید به رشد انرژی نیست، بلکه موجب افزایش امکانات تراکم سرمایه ها و استعدادها و در نتیجه تغییر روابط فی ما بین کشورهای صنعتی و مناسبات بقیه جهان نیز شده است.

کشف و افزایش بسیار سریع نفت خام از حوزه کارائیب (ونزوئلا)، خاورمیانه و شمال آفریقا (لیبی و الجزایر) و کاهش تولید مراکز قدیمی مثل مکزیک - رومانی - آمریکای شمالی و غیره باعث می شود که جغرافیای نفت به مناطق جدید انتقال یابد، در مورد خاورمیانه، بعد از جنگ جهانی دوم، از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود. سهم تولید ایالات متحده آمریکا به عنوان اولین و بزرگترین تولید کننده نفت، از سال ۱۹۴۵، با سرعت کاهش یافت. این تولید از آن سال تا به امروز افزایش نیافته است در حالی که تولید جهانی افزایش را به میزان ۱۵۰ درصد نشان می دهد.

ایالات متحده که معمولاً "صادر کننده نفت خام و محصولات تصفیه شده بود، در سال ۱۹۴۸ بصورت وارد کننده درآمد.

۱- کاستروفیدل : بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، نصیرزاده

جدول زیر کاهش تولید آمریکا در جهان را نشان می‌دهد (۱):
(ارقام به میلیون تن)

سال میلادی تولید جهان تولید آمریکا درصد تولید آمریکا در جهان

۱۹۴۵	۳۵۲	۲۴۵	%۶۶
۱۹۵۰	۵۱۶	۲۸۲	%۵۲
۱۹۵۵	۷۶۵	۳۲۶	%۴۴
۱۹۶۰	۱۰۵۲	۳۴۵	%۳۳

وازا سال ۱۹۷۰ به بعد هماهنگی که جدول زیر نشان می‌دهد آمریکا عملاً تبدیل به واردکننده نفت خام می‌گردد. (ارقام بر حسب میلیون بشکه در روز). (۲)

۱۹۹۵	۱۹۹۰	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	
۷/۶	۹/۲	۱۰/۵	۱۰/۲	۹/۷۰	۸/۸	تولید
۱۸	۱۷	۱۴/۱	۱۲/۴	۱۱/۷	۱۰/۶	مصرف
۱۰/۴	۷/۸	۲/۶	۲/۲	۲	۱/۸	واردات

- ۱- بهار مهدی : میراث خوار استعمار، ص ۱۷۶
- ۲- آقا زاده غلامرضا : نفت و خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس - اردیبهشت ۱۳۶۷

بدین ترتیب نیازهای نفتی، سیاست خارجی کشورهای صنعتی را مشخص می‌کند. هارولد براون وزیر دفاع آمریکا در سال ۱۹۷۹ در مورد خطر اصلی در خلیج فارس طی سخنانی در کمیتهٔ امور خارجی مجلس نمایندگان چنین متذکر می‌شود: " آنچه در خلیج فارس در معرض خطر قرار دارد در راه اقتصاد و سیاسی ایالات متحده آمریکا و متحدان آن است. اگر کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان از دسترسی به منابع انرژی خلیج فارس محروم شوند، نتیجه‌اش احتمالاً ورشکستگی و به در در سرافتادن متحدان ما و اقتصاد جهانی خواهد بود." (۱)

ویلیام راجرز وزیر امور خارجه، وقت آمریکا در گزارش ۲۶ مارس ۱۹۷۱ خود دربارهٔ سیاست خارجی ایالات متحده می‌گوید: " شبه جزیرهٔ عربستان، عراق و ایران در حدود دوسوم ذخائر شناخته شدهٔ نفت جهان را دارا می‌باشند. استفاده از این نفت در شرایط مناسب سیاسی و اقتصادی برای کشورهای متحد ما در اتحادیهٔ اطلانتیک (ناتو) و نیز کشورهای اروپای غربی و ژاپن واجد کمال اهمیت است." (۲)

بحران نفتی ۱۹۷۳، آسیب‌پذیری اقتصاد کشورهای صنعتی، بخصوص اروپا را کاملاً نمایان می‌سازد، چنانکه وزیر امور خارجهٔ فرانسه در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۳ در مجلس ملی این کشور اظهار می‌دارد: " اروپا که نسبت به آن این قدر بی‌اعتنایی و توهین می‌شود، به علت وابستگی خود به نفت خاورمیانه قربانی واقعی این تحریم‌هاست." (۳)

- ۱- اسدی بیژن: علایق و استراتژی آمریکا در خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس - اردیبهشت ۶۷.
- ۲- سی بارگرتوماس: سیاست انرژی کشورهای عربی خلیج فارس، اسدی بیژن، ص ۱۱.
- ۳- فونتن آندره: یک بستر و دروینا - تاریخ تنش زدایی ۱۹۸۱ - ۱۹۶۲، هوشنگ مهدوی عبدالرضا، ص ۳۲۹.

این امر به خاطر آن است که بیشترین نفت مصرفی و فرآورده‌های وابسته به آن در کشورهای صنعتی اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (لیبی و الجزایر) بدست می‌آید.

گرچه در خاورمیانه تولید نفت برای اولین بار در ۱۹۰۸ در ایران آغاز شد اما فقط پس از جنگ جهانی دوم بود که با توجه به عوامل ذکر شده تولید آن به سرعت روبه افزایش گذاشت. در این منطقه بیش از یک میلیارد تن نفت در سال بدست می‌آید که یک سوم مجموع تولید نفت دنیا را تشکیل می‌دهد. (۱)

در دوره قبل از جنگ جهانی دوم، امتیازات نفتی خاورمیانه در اختیار شرکت‌های نفتی غربی قرار داشت. در این زمان هشت شرکت اصلی که تحت نظارت سهام آمریکا، بریتانیا، هلند و فرانسه قرار داشت، همه محصول نفت را تولید می‌کرد. این شرکتها عبارت بودند از (۲): استاندارد اویل نیوجرسی (STANDARD OIL NEW JERSEY) - استاندارد اویل کالیفرنیا (STANDARD OIL CALIFORNIA) - موبیل اویل (MOBIL OIL) - تگزاکو (TEXACO) - گلف اویل (Gulf oil) - بریتیش پترولیوم (B.P) - رویال داچ - شل (ROYAL DUTCH - SHELL) و شرکت نفت فرانسه (COMPAGNIE FRANCAISE DES PETROLES). امتیازات نفتی خاورمیانه با توجه به ضعف و زبونی دولتهای امتیاز دهنده و قدرت و نفوذ کمپانیهای صاحب امتیاز، در حقیقت، - دولتی در دولت ایجاد کرده بود: (۳)

۱- درینیک ژان پیر: خاورمیانه در قرن بیستم، اردلان فرنگیس،

ص ۱۲.

۲- بیومونت پیترو دیگران: پیشین، ص ۳۴۷.

۳- موحد محمد علی: نفت ما و مسائل حقوقی آن، ص ۲۴۳.

(- عملاً "قسمتی از کشوریا همه آن را از تحت سلطهء حکومت خارج ساخته بود.

(- رژیم امتیازات درخا ورمیانه مسای با رژیم کاپیتولاسیون بود.
 (- صاحب امتیاز درموارد بسیار از حقوق خارج المملکتی برخوردار بود.

(- قوانین مالیاتی کشور در حق اوقابل اعمال نبود.
 (- دروازه های کشور برای ورود هرگونه کالایی کها و میخواست اگر چه مقررات کشور آن کالارا ممنوع قلمداد می کرد با زیود.
 (- دولت هیچ گونه اختیاری در عملیات مربوط به امتیاز نداشت.
 (- ادارهء عملیات مطلقاً "به میل و ارادهء صاحب امتیاز انجام می شد.
 (- حوزهء امتیاز معمولاً "چندان وسیع بود که جا برای ورود و مذاخلهء دیگری باقی نمی ماند.

اولین امتیاز مهم خا ورمیانهء امتیاز نفت ایران بود.
 در ۲۸ ماهه ۱۹۰۱ مهندس ویلیام ناکس داریسی تبعهء انگلیس امتیاز کشف و استخراج نفت در تمامای ایران را به مدت ۶۰ سال از مظفرالدین شاه گرفت. نخستین چاه نفت خا ورمیانه در ۱۹۰۸ در مسجد سلیمان (استان خوزستان) فوران کرد. در ۱۹۰۹ " شرکت نفت انگلیس پرشین" تأسیس شد که بعداً "به شرکت انگلیس وایران مبدل گردید و پس از ملی شدن نفت در ایران به بریتیش پترولیوم (B . P) تغییر نام یافت. دولت انگلیس که از جهت تأمین سوخت دایمی و ارزان برای ناوگان دریایی خود نگران بود در ۱۹۱۴ اکثریت سهام (۵۱ درصد) و نظارت بر شرکت نفت انگلیس وایران را خرید^(۱). این شرکت به برکت غارت بی حد و حصر نفت ایران، یکی از ثروتمندترین و متحولترین ارکان اقتصادی و بازرگانی

۱- سالم الجیر الصباح : امارات خلیج فارس و مسله نفت ، بیگدلی علی، ص ۵۴ . .

روی زمین گردید و علاوه بر ادا راه حوزه^۶ اختصاصی خویش، چندین شرکت برای استخراج نفت به سرمایه^۶ ویژه خود در مناطق دیگر تاسیس نمود و با در شرکتها^۶ نفتی دیگری سرمایه گذاری کرد و نسی سهم گشت (۱)

در عراق، اولین امتیاز در سال ۱۹۲۵ به یک کنسرسیوم بین المللی داده شد، این اولین کنسرسیومی بود که فعالیت خود را در خاور میانه آغاز کرد. این کنسرسیوم با ترکیبات زیر "بنسام شرکت نفت عراق" معروف بود (۲).

- | | | |
|----|-------------------------|---------|
| ۱- | شرکت نفت ایران و انگلیس | ۲۳/۷۵% |
| ۲- | شرکت شل | ۲۳/۷۵% |
| ۳- | شرکت نفت فرانسه | ۲۳/۷۵% |
| ۴- | استاندارد نیوجرسی | ۱۱/۸۷۵% |
| ۵- | سوکونی اوپل | ۱۱/۸۷۵% |
| ۶- | گلنبرگیان | ۵% |

دو تولیدکننده عمده^۶ دیگر منطقه یعنی کویت و عربستان سعودی، هر دو در سالهای دهه^۶ ۱۹۳۰ امتیازاتی واگذار کردند. امتیاز نفتی کویت بمدت ۷۵ سال که تمام کویت را شامل می شود در سال ۱۹۳۴ به شرکت نفت کویت واگذار گردید که مشترکا "بگلف اوپل آمریکایی و B.P (انگلیسی) تعلق داشت. در عربستان سعودی هم ایالات متحده آمریکا برای سودجویی از منابع نفتی عربستان سعودی، خود را شتابان به این سرزمین رساند و زمینه سازی خویش را به منظور چنگ انداختن بر ثروت بنیادی آن یعنی نفت آغاز کرد.

- ۱- نشأت صادق: تاریخ سیاسی خلیج فارس، ص ۵۵۸.
- ۲- مقداشی زهیر: تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاور میانه، ابراهیم زاده سیروس، ص ۳۱۴.

ها میلتنون نماینده استاندارداویل کمپانی وکالیفرنیا، گفت وگوهای خود را با ابن سعود، پیرامون گرفتن امتیاز نفت در بخش خاوری کشور در برابر پرداخت وام آغاز کرد. آمریکا تنها ۱۳۵/۰۰۰ دلارونه بیشتر، به عربستان وام داد در حالی که آن شرکت آمریکایی در برابر آن در ۱۹۳۲، امتیاز نفت ۹۳۲/۰۰۰ کیلومتر مربع را در طول ۶۶ سال بدست آورد. بدنیال آن، به ابتکار آمریکا، پیمانی میان دو کشور بسته شد که آشکارا حقوق آمریکائیان را با شهروندان کشورهای با ختری برابر می‌شمرد و راه گسترش کار و کوشش ایشان را هموار می‌ساخت (۱).

شرکتهای آمریکایی که تحت عنوان آرامکو: (ARAMCO) - (ARABIAN - AMERICAN oil COMPANY) در عربستان فعالیت می‌کنند، برای خودنا وگان بزرگ نفت کش - هواپیماها، فرودگاهها، ایستگاه تلویزیون و کارگاهان ویژه‌ای دارد. شهر ظهران که مقر آرامکو در آنجاست، مرکز ناحیه خاوری یا مرکز امیراطوری نفتی این شرکت گشته است.

آرامکو را با دیدیکی از شرکتهای تجارتهای افسانه‌ای عصر حاضر بشمار آورد. منابع شرکت در سال ۱۹۵۲ فقط از تولید نفت در عربستان سعودی، پس از کسر مخارج عملیاتی، اکتشاف، توسعه و استهلاک و همچنین پرداخت مالیات بردرآمد آمریکا به ۴۱۴ میلیون دلار می‌رسید (۲).

۱- کیکتیف، س. ی. : تاریخ معاصر کشورهای عربی، روحانسی

محمدحسین، ص ۲۰۸.

۲- شوادران بنجامین : پیشین، ص ۳۲۹.

تاریخ امتیازات و تولید نفت کشورهای خلیج فارس (۱)

کشور	تاریخ امتیاز نفتی	تاریخ کشف ابتدایی نفت	نخستین تولید تجارתי نفت
ایران	۱۹۰۱	۱۹۰۳	۱۹۰۸
عراق	۱۹۲۵	۱۹۲۷	۱۹۳۴
کویت	۱۹۳۴	۱۹۳۸	۱۹۴۶
عربستان سعودی منطقه بیطرف	۱۹۳۳	۱۹۳۸	۱۹۳۹
کویت - عربستان	۱۹۴۸	۱۹۵۳	۱۹۵۴
بحرین	۱۹۳۰	۱۹۳۲	۱۹۳۴
قطر	۱۹۳۵	۱۹۳۹	۱۹۴۹
امارات متحده عربی			
ابوظبی	۱۹۳۹	۱۹۵۹	۱۹۶۲
دوبی	۱۹۵۲	۱۹۶۶	۱۹۶۹
شارجه	۱۹۶۹	۱۹۷۲	۱۹۷۴
عمان	۱۹۳۷	۱۹۶۳	۱۹۶۷

نکته آخر این که منطقه نفتی خاورمیانه مزیت‌های ویژه‌ای دارد که به نفت منطقه اهمیت بیشتری می‌دهد. این مزیت‌ها عبارتند از: (۲)
الف - منابع نفت فراوان منطقه، ۶۴ درصد کل ذخایز جهان در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد.

۱- اسدی بیژن: خلیج فارس از دیدگاه آمار و ارقام (فارسی

و انگلیسی)، ص ۱۹.

۲- الهی همایون: خلیج فارس و مسائل آن، ص ۱۱۷.

ب- سهولت استخراج : اغلب چاههای منطقه، بزرگ، نزدیک به سطح می باشد، بهره برداری از این چاهها به علت اینکه در اغلب موارد نفت با فشار از درون چاه فوران می کند بسیار آسان و ارزان است و با لاخره نزدیکی آنها به بنادر، صدور آنرا آسان می نماید (۱).

ج- هزینه تولید پایین :

هزینه متوسط تولید یک شبکه نفت در سال ۱۹۷۰

کشور	به سنت
آمریکا	۱۵۰
اندونزی	۸۰
روسیه	۷۰/۸۰
ونزوئلا	۶۰
الجزایر	۴۰/۸۰
لیبی	۱۵
خاورمیانه	۱۰

د- مازاد ظرفیت تولید : بطوریکه این کشورها دارای مصارف بسیار محدود بوده و اصولاً جهت صادرات اقدام به تولید و استخراج نفت نمی نمایند. کل کشورهای اوپک ۲ درصد و کشورهای حوضه خلیج فارس کمتر از یک درصد مصرف جهانی نفت را دارند.

ه- کیفیت بالای نفت خام منطقه

و- سهولت حمل و نقل

۱- کوپوسی اتیف : نفت، صنعت و توسعه در کشورهای شورای همکاری

خلیج فارس، نشر قوس، ص ۶۱.

ز- امکان کشف ذخایر جدید نفتی وسیع در منطقه درمقایسه با سایر مناطق جهان
 ح- توان تولید زیاد چاههای نفت

با روری چاههای نفت در سال ۱۹۶۸

کشور	به تن در سال
آمریکا	۸۵۰
اندونزی	۱۲۴۰۰
ونزوئلا	۱۵۰۵۰
روسیه	۴۹۵۰
لیبی	۱۴۹۲۵۰
کویت	۲۳۳۲۵۰
ایران	۵۹۱۹۰۰

با توجه به این منافع روزافزون است که "محیط ارزش پیدا می‌کند. بقول ریمون آرون^(۱) محیط برای تحلیل سیاسی جاذبه‌ای ندارد مگر اینکه صحنه برخوردها باشد، یعنی در چارچوب دیپلماتیک یا نظامی ظاهر شود. وقتی که رهبری یک جنگ یا بطور کلی تمام استراتژی مهم مربوط به یک واقعیت طبیعی است، مشاهده می‌شود که محیط جغرافیایی عامل اساسی روابط و مناقشات بین‌المللی می‌باشد، در نتیجه جغرافیا تعیین‌کننده سیاست در مرحله‌ای خاص است. " تحلیل مکیندر جغرافیا را " محیط " برخورد "جزیره جهانی"

۱- خلیلی احمد: فرضیه برای مطالعه استراتژیک خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار برای مسائل خلیج فارس.

(منطبق با روسیه اروپا) با قدرت دریایی (که تجسم آمریکا و استرالیا بصورت شبه جزیره است) می‌داند (۱).

۱- مکیندر جغرافیدان انگلیسی با تحلیل رابطه متقابل آب و خاک یا دریا و خشکی در سطح کره زمین نظریه‌ای ارائه کرد که اصطلاحاً "به" قلب زمین" یا (HEART LAND) شهرت یافت. این نظریه پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ در کتابی تحت عنوان " آرمانهای دموکراتیک و واقعیت " بسط و گسترش یافت و به عنوان اساس یک دیدگاه ژئوپلیتیک مورد بحث و نقادانی قرار گرفت .

در این کتاب مکیندر نظریه معروف خود را چنین ارائه می‌دهد :

" هرکس بر اروپای غربی تسلط یا بدبر ناحیه‌ها رتلند نیز مسلط خواهد شد . هرکس بر رتلند تسلط یا بدبر جزیره جهانی نیز مسلط خواهد شد ، هرکس که بر جزیره جهانی تسلط یا بد حکومت دنیا را بدست خواهد گرفت ."

مأخذ : میرحیدر دره : اصول و مبانی جغرافیای سیاسی ، ص ۲۸



" نتیجه "

آنچه مسلم است، این است که حیات اقتصادی کشورها در گرو حرکت و فعالیت اقتصادی آنها، در داخل و خارج از کشور می‌باشد. رهایی از وضعیت کنونی مستلزم تحول اساسی در بینش و حرکت اقتصادی در ارتباط با داخل و خارج قرار دارد. بازنگری الگوها، و ایجاد تحول در آنها در زمینه، تولید و تجارت و مصرف از ضروریات رهایی از شبکه، اقتصاد مسلط جهانی و نظم امپریالیستی آن است. در زمینه واردات و صادرات باید کشورهای اسلامی خارومیانه با توجه به ذخایر نفتی فراوانی که دارند با اقتصاد جهانی فعال برخورد کنند نه انفعالی. و برای تحقق چنین هدفی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و داشتن برنامه از ضروریات است.

واردات و صادرات کشورهای نفت خیز خارومیانه با یستی نقشی مکمل هم در تغییر بنیادی در ساختار اقتصاد این کشورها داشته‌باشد و در این ارتباط برنامه‌ریزی شود.

توسعه همکاریه‌های اقتصادی و بازرگانی بین کشورهای خارومیانه، تحول در ساختار اقتصاد داخلی، به نحوی که تولید بسیار مصرف داخلی برنامه‌ریزی شده هماهنگی و انسجام داشته‌باشد، تحول در صادرات و واردات از نظر ترکیب و تنوع آنها، گریز از صادرات تک محصولی و خام و حرکت بسوی صادرات متنوع و با ارزش افزوده بالا و صنعتی، آمیختگی صنعت با کشاورزی، به نحوی که تحول اساسی در تولیدات و بطور کلی در بخش کشاورزی ایجاد کنند، همه و همه مسائلی هستند که ضرورت برنامه‌ریزی و داشتن برنامه‌شان می‌دهند.

صنعت نفت در کشورهای اسلامی خاورمیانه همچنان در خدمت صادرات نفت خام باقی مانده است. در حالیکه لازم است در راستای برنامه ریزی برای داشتن یک اقتصاد مستقل و خوداتکاء، صنعت نفت کشورهای نفتی خاورمیانه با تصویر ساختار دیگری برای آن و سایر بخش های اقتصادی به عنوان جزئی از پیکر واحد اقتصاد خود این کشورها باشد و از طریق مکانیسمی سازگار و تنظیمی هماهنگ و نو، در خدمت پویایی سایر بخش های اقتصاد قرار گیرد.

و در چنین صورتی تحول اساسی در واردات این کشورها صورت خواهد گرفت. به عنوان مثال آیا این کشورها نمی توانند از طریق ارزش افزوده در نفت در داخل کشور و ایجاد صنایع نفتی، بسیاری از اقلام وارداتی خود را با تولید داخلی آن حذف و بدین وسیله خود را یک قدم دیگر از دام اقتصاد و تجارت ظالمانه مسلط در جهان بیرون بکشند؟ آیا این کشورها نمی توانند کودشمیایی را در صنایع پتروشیمی خودشان تولید کنند و نیازی به کودشمیایی وارداتی نداشته باشند؟

برای اصلاح رابطه مبادله، و تحول آن از حالت ظالمانه بصورت عادلانه، کشورهای نفت خیز باید با ارائه فرمولی، هزینه های تولید و قیمت فروش مواد درانی خود را در یک حالت مقایسه ای با هزینه ها و قیمت های کشورهای صنعتی مرتبط سازند. در ارائه قیمت نفت، در مقابل فشارهای اقتصاد و تجارت مسلط، کشورهای نفت خیز باید حرف جدیدی بزنند.

بنابراین کشورهای نفت خیز با یستی درهم پیوندی اقتصادی با هم بطور عادلانه به رده ها جا نیه همدیگر کمک کنند و این از طریق ایجاد تحول در نظام پولی و تجارتي بین المللی، ایجاد تحول در تولید و مصرف و حرکت بسوی صدور کالاهای نه خام، با زنگری در قیمت ها، ایجاد و توسعه سازمان های اقتصادی، همکاری های بین خود (منطقه ای و در سطح جهان)، کوشش برای یک

برنامه درازمدت در راه دگرگونی با استفاده از نفت که به آسانی و ارزانی در دسترس آنهاست، داشتن برنامه و برنامه ریزی برای خروج از نظم اقتصاد دگرجهانی، و حرکت منفی در داشتن نقش مکمل در اقتصاد مسلط و اجتناب از ادغام شدن در آن و با لایحه اندیشیدن به طرق ایجاد تغییر در رابطه مبادله به سود خود، و اندیشیدن به الگوهای جدید غیر از آنچه که در ارتباط با تثبیت نظم موجود اقتصاد جهانی ارائه می شود، و با ایمان به خود و قدرت دگرگونی و سازندگی خود، میسر خواهد بود.

منابع

- ۱- شوادران بنجامین: خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، شریفیان عبدالحسین، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲.
- ۲- کاظمی سیدعلی اصغر: دیپلماسی نوپدید عصر دگرگونی در روابط بین الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۶۵.
- ۳- کاظمی سیدعلی اصغر: نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، تهران، قومس، ۱۳۶۹.
- ۴- الهی همایون: خلیج فارس و مسایل آن، تهران، قومس، ۱۳۶۸.
- ۵- میرحیدر دره: اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
- ۶- مقداشی زهیر: تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاورمیانه، ابراهیم زاده سیروس، تهران، پیروز، ۱۳۵۴.
- ۷- اودل پیتر: نفت و کشورهای بزرگ جهان، جهان نیگلو امیرحسین، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷.
- ۸- سی بارگر توماس: سیاست انرژی کشورهای عربی خلیج فارس، اسدی بیژن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- ۹- نخله امیل: روابط آمریکا و اعراب در خلیج فارس، کارو، تهران، سروش، ۱۳۵۹.
- ۱۰- روحانی فواد: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲.
- ۱۱- فاتح مصطفی: پنجاه سال نفت ایران، تهران، پیام، ۱۳۵۸.

- ۱۲- فونتن آندره : یک بسترودورویا - تاریخ تنش زدایی (۱۹۸۱ - ۱۹۶۲) ، هوشنگ مهدوی عبدالرضا تهران، نشر نو، ۱۳۶۴.
- ۱۳- موحدمحمدعلی : نفت ما و مسائل حقوقی آن، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷ .
- ۱۴- مسجدجامعی محمد : تحول وثبات درخلیج فارس، تهران، حمید، ۱۳۶۹ .
- ۱۵- هالیدی . فرد : عربستان بی سلاطین، افراسیابی بهرام، تهران، کتابسرا، ۱۳۵۸، جلد دوم .
- ۱۶- بلیک جرالسد : جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، میرحیدردره، تهران، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۶۹ .
- ۱۷- سالم الجبیرالصباح : امارات خلیج فارس و مسله نفت، بیگدلی علی، تهران، میراث ملل، ۱۳۶۸ .
- ۱۸- نشأت صادق : تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، شرکت نسبی کانون کتاب، ۱۳۴۴ .
- ۱۹- کاسترو فیدل : بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، نصیرزاده غلامرضا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ .
- ۲۰- کوبوسی اتیف : نفت، صنعت و توسعه درکشورهای شوروی همکار خلیج فارس، تهران، نشر قومس (زیر نظر دکتر همایون الهی) - ۱۳۶۹ .
- ۲۱- اسدی بیژن : خلیج فارس از دیدگاه آمار و ارقام (فارسی و انگلیسی)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۶۸ .
- ۲۲- درینیک ژان پیر : خاورمیانه در قرن بیستم، اردلان فرنگیس، تهران، جاویدان، ۱۳۶۸ .
- ۲۳- آقائی داود : سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران، نشر کتاب سیاسی، ۱۳۶۸ .
- ۲۴- بهار مهدی : میراث خواراستعمار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷
- ۲۵- دلدن اسکندر : سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس،

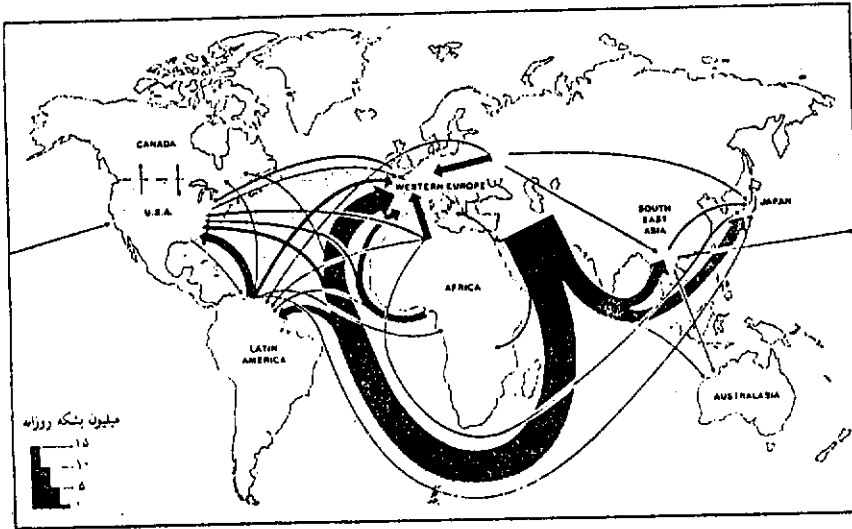
- تهران، نوین، ۱۳۶۳.
- ۲۶- بیومونت پیترودیگران: خاورمیانه، مدیرشانه چی محسن، مشهد، استان قدس، ۱۳۶۹.
- ۲۷- مگدافهری: امپریالیسم (تئوری - تاریخ - جهان سوم)، مقتدرهوشنگ، تهران، کویر، ۱۳۶۹.
- ۲۸- کیکتیفسن.ی. و دیگران: تاریخ معاصرکشورهای عربی، روحانی محمدحسین، تهران، توس، ۱۳۶۷.
- ۲۹- لنچافسکی ژرژ: تاریخ خاورمیانه، جزایری هادی، تهران، اقبال، ۱۳۳۷.
- ۳۰- لاکست ایو: مسائل ژئوپلیتیک (اسلام، دریا، آفریقا)، آگاهی عباس، تهران، دفترنشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۸.
- ۳۱- مجموعه مقالات سمیناربررسی مسائل خلیج فارس اردیبهشت ۱۳۶۷ - تهران، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۶۸.
- ۳۲- مجله سیاست خارجی - دفتر مطالعات سیاسی.
- ۳۳- نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز - شماره های ۳ - ۲، تابستان و پائیز ۱۳۶۹.

کشور	نسبت ذخایر به تولید	درصد سهم از کل ذخایر جهان	درصد سهم از کل تولید جهان	(میلیون بشکه) تولید روزانه
ابوظبی	—	۳۰/۵	٪۶/۳	۸۴۰
دبی	۱۱	۱/۴	٪۰/۲	۳۶۵
عراق	—	۴۴/۵	٪۶/۳	۱۱۷۰
کویت	—	۹۰/—	٪۱۲/۷	۹۸۵
منطقه بیطرف	—	۵/۴	٪۰/۸	۴۳۰
عمان	۳۵/۷	۳/۵	٪۰/۷	۴۲۰
قطر	۲۲/۹	۳/۴	٪۰/۷	۴۲۵
عربستان سعودی	۲۱/۶	۱۶۹/۰	٪۸/۱	۴۶۹۰
بحرین ^۶	—	۰/۳۲۶	٪۶/۸	—

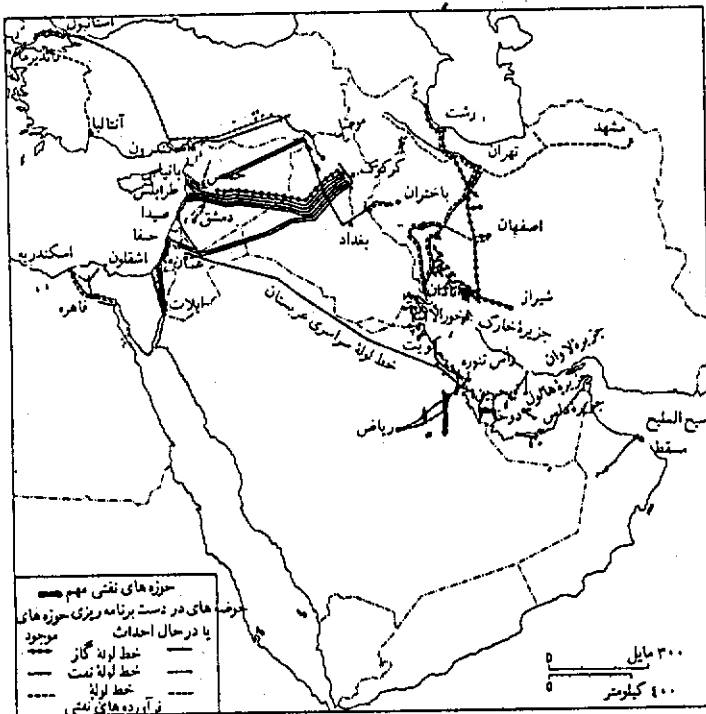
جدول نشانگر آن است که حدود ۴۹/۲ از کل ذخایر نفتی دنیا به کشورهای عربی خلیج فارس اختصاص دارد. آمار دیگری که اوپک ارائه کرده است، ذخایر نفتی برخی از این کشورها را روشن می کند.^۷

7. Facts and Figures, 1986, (Vienna: The Secretariat of OPEC), Figure 14.

عراق ۷۲ میلیارد بشکه
 کویت ۹۴/۵ میلیارد بشکه
 قطر ۴/۵ میلیارد بشکه
 عربستان ۱۶۹۲ میلیارد بشکه
 امارات ۹۷/۲ میلیارد بشکه
 بحرین نیمی از عایدات حاصل از حوزه نفتی ابوصمانه، واقع در عربستان سعودی، را که روزانه حدود ۱۰ هزار بشکه نفت تولید می کند و میزان ذخیره آن ۶/۵ میلیارد بشکه است، نیز دریافت می کند.



جریان نفت در سال ۱۹۸۱



خطوط لوله های نفت در خاورمیانه

(Modified from The Petroleum Publishing Company)